



مفهوم سازی و تبیین ابعاد جغرافیای سیاسی شهر

محسن جان پرور^۱

چکیده

گام نخست در هر رشته علمی تبیین مفاهیم کلیدی است که در آن رشته علمی مورد استفاده قرار می‌گیرد، زیرا تبیین این مفاهیم سبب شکل‌گیری درک درست و بکارگیری صحیح آنها از طریق دانشجویان و سایر استفاده‌کنندگان از این مفاهیم شده و اعتبار علمی آن رشته و کارهای علمی که در این زمینه انجام می‌گیرد را، بالا می‌برد. در این میان مفهوم جغرافیای سیاسی شهر از جمله مفاهیم و حوزه‌های مطالعاتی در جغرافیای سیاسی است که با توجه به نوپابودن آن تعریف دقیق و روشنی از آن صورت نگرفته است و ابعاد مورد مطالعه آن نیز شناخته شده نیست. در این راستا، مقاله حاضر سعی دارد با روشی توصیفی-تحلیلی و با استفاده از مفهوم جغرافیای سیاسی، مفهوم جغرافیای سیاسی شهر را تبیین کند و ابعاد مورد مطالعه آن را در فضای شهر بیان کند. نتایج حاصل از تحقیق بیانگر آن است که موضوع اصلی مورد مطالعه جغرافیای سیاسی، کشور است، با توجه به تحولات دهه‌های اخیر و افزایش نقش‌آفرینی و بازیگری شهرها در عرصه‌های ملی و بین‌المللی زمینه برای برجسته‌تر شدن ابعاد سیاسی، ژئوپلیتیکی و سایر مفاهیم مرتبط با جغرافیای سیاسی در پدیده فضایی شهر فراهم آورده است به نوعی که می‌توان شهر و ابعاد و ویژگیهای آن را بعنوان یکی از زیر بخشهای مورد مطالعه در کشور جدا کرد و در سطحی بالاتر البته نه در سطح کشور، در قالب جغرافیای سیاسی شهر مورد مطالعه و بررسی قرار داد. از سوی دیگر، شکل‌گیری مفهوم جغرافیای سیاسی شهر و قرار-گیری پدیده فضایی جغرافیایی شهر در کانون مطالعه آن به جای کشور، ابعاد مورد مطالعه در جغرافیای سیاسی حکومت، ملت، سرزمین، امنیت، مرزها و ... را با کمی تغییر وارد حوزه مطالعات جغرافیای سیاسی شهر می‌کند که باید در این حوزه جدید مطالعاتی مورد بررسی و مطالعه قرار بگیرد.

واژگان کلیدی: جغرافیای سیاسی، شهر، جغرافیای سیاسی شهر

^۱ - استادیار جغرافیای سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد، janparvar@um.ac.ir، ۰۹۱۲۶۵۰۸۲۳۸



مقدمه

در رشته جغرافیای سیاسی شهرها از جمله پدیده‌های فضایی هستند که از جایگاه برجسته و با اهمیتی در مطالعات جغرافیایی برخوردار می‌باشند به گونه‌ای که در قالب رشته‌ای ویژه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری در ابعاد اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، برنامه ریزی و ... مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرد. که این امر سبب شکل‌گیری مفهوم جدیدی به عنوان جغرافیای سیاسی شهر شده است. این مفهوم با توجه به اینکه جدید می باشد هنوز تعریف دقیق و قابل درکی از آن صورت نگرفته و ابعاد مورد بحث در آن نیز مشخص نیست. بررسی‌های صورت گرفته در زمینه مفهوم جغرافیای سیاسی شهر نشان دهنده آن است که با توجه به نوپا بودن این مفهوم مطالعات کمی در این زمینه از سوی صاحب‌نظران و برجسته‌گان این حوزه صورت گرفته است و بیشتر مطالعات بدون اینکه بخواهند مفهوم جغرافیای سیاسی شهر را بیان کنند یا اینکه بخواهند در مطالعات جغرافیای سیاسی شهر به بررسی ابعاد مطرح در این حوزه بپردازند جنبه‌های مختلف مطرح در این حوزه را بیان کرده اند. یکی از مقالاتی که به صورت مستقیم در زبان فارسی بحث جغرافیای سیاسی شهر را مورد مطالعه قرار داده است مقاله ای با عنوان «تبیین فلسفی- مفهوم جغرافیای سیاسی شهر» که در آن جغرافیای سیاسی شهر به این صورت تعریف شده است. جغرافیای سیاسی شهر پدیده‌های سیاسی- فضایی شهر را در کانون مطالعات خود قرار داده و نقش فرایندهای سیاسی و تصمیمات ذی‌مدخلان اداره امور شهر را در هدایت، کنترل و شکل‌دهی فضا و سازمان فضایی شهر مورد توجه قرار می‌دهد. همچنین در ژئوپلیتیک، تأثیر و تأثرات ناشی از تعاملات، ارتباطات و کارکردهای فراشهری از جنبه اثر گذاری بر جریان قدرت سیاسی مورد مطالعه قرار می‌گیرد. البته این امر به معنی کم توجهی به نقش تعیین کننده پدیده‌ها و عوامل درون شهری در قدرت سیاسی در سطوح ملی و شهری نیست. در ژئوپلیتیک، شهر به عنوان یک کانون قدرت با قابلیت اثرگذاری گسترده در سطوح مختلف سرزمینی مورد توجه است (کمانرودی کجوری و همکاران، ۱۳۸۹: ۹). مطالعه فوق هر چند دارای ابهامات و نواقصی است اما با توجه به اینکه از جمله کارهای اولیه در این عرصه است از جایگاه و اهمیت بالایی در مفهوم سازی جغرافیای سیاسی شهر دارا می‌باشد. با توجه به اینکه مفهوم سازی درست از حوزه های علمی نیازمند انجام کارهای متعدد با دیدگاه های مختلف است. در اینجا سعی می‌شود با در نظر گرفتن جنبه اصلی مفهوم فوق یعنی جغرافیای سیاسی و با در نظر گرفتن موضوع اصلی مورد مطالعه در این رشته به تبیین مفهوم جغرافیای سیاسی شهر بپردازد. از سوی دیگر ابعاد مورد مطالعه در جغرافیای سیاسی که بر گرفته از موضوع اصلی این



رشته یعنی کشور است، سعی شده در قالب جغرافیای سیاسی شهر و با تکیه بر پدیده سیاسی- فضایی شهر بیان گردد.

۱- مبانی نظری تحقیق

۱-۱- جغرافیای سیاسی

جغرافیای سیاسی، شاخه‌ای از علم جغرافیا است که تأثیرپذیری و تأثیرگذاری سیاست و قدرت در محیط جغرافیایی و به بیان دیگر، تأثیر تصمیم‌های سیاسی بر محیط جغرافیایی را مورد کاوش و بررسی قرار می‌دهد. نقش ویژه‌ی جغرافیای سیاسی، سازماندهی سیاسی فضا در سطح محلی، ملی و منطقه‌ای است (میرحیدر، ۱۳۸۰). جغرافیای سیاسی را به صورت کلی می‌توان به عنوان مطالعه اثرگذاری تصمیمات سیاسی انسان بر فضای جغرافیایی تعریف کرد. که در آن تأثیر انسان بر محیط در مواردی چون ترسیم مرزها، تقسیم سرزمین‌ها، تبیین ملت‌ها و هویتها در قیاس منطقه‌ها مطالعه می‌شود (مجتهدزاده، ۱۳۹۰: ۲۲). به بیانی دیگر، جغرافیای سیاسی پدیده‌های سیاسی را در فضای درونی یک کشور مورد بحث قرار می‌دهد که به طور سنتی شامل مفاهیمی مانند مرز، ملت، حکومت و سرزمین است (حافظ نیا، ۱۳۸۱: ۴۲).

۱-۲- شهر

از نظر تعریف شهر و مکان شهری و مکان شهری، تفاوت زیادی بین کشورها وجود دارد. در حال حاضر، تعاریف مختلفی از مکان شهری شده است که هیچ کدام به تنهایی رضایت بخش نیست. گاهی اوقات، شهر بر اساس فرهنگ شهری (تعریف فرهنگی)، گاهی بر اساس کارکرد اداری (تعریف سیاسی- اداری)، گاهی بر اساس افراد شاغل در بخش غیر کشاورزی (شاخص اقتصادی) و گاهی بر اساس تعداد جمعیت (شاخص جمعیت شناختی) تعریف می‌شود (شارع پور، ۱۳۹۱: ۹). شهرها بخشی از فضای هر کشور را تشکیل می‌دهند که بویژه در قرن جدید ابعاد گسترده‌ای از نظر حجم فیزیکی و تنوع مسائل اجتماعی و اقتصادی پیدا کرده‌اند و این تحولات بحث مدیریت و تأمین امنیت شهرها را بسیار مشکل نموده است (مطوف، ۱۳۸۱: ۱۳).



۲- روش تحقیق

روش کلی تحقیق حاضر توصیفی- تحلیلی است. برای گردآوری اطلاعات از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی استفاده شده است. در این تحقیق سعی شده است با استفاده از مفهوم و تعریف جغرافیای سیاسی به تعریف و تفسیر مفهوم جغرافیای سیاسی شهر پردازد.

۳- یافته های تحقیق

۱-۲- مفهوم جغرافیای سیاسی شهر

شهرها از جمله پدیده‌های فضایی- سیاسی هستند که از جایگاه و اهمیت بالایی در مطالعات جغرافیای سیاسی برخوردار بوده و هستند. دکتر حافظ نیا در کتاب افق‌های جدید در جغرافیای سیاسی می‌نویسد: امروزه موضوع جغرافیای سیاسی تنها دولت ملی نیست، بلکه موضوعات جدید در قلمرو معرفتی این رشته قرار گرفته است. یکی از نگرش‌های موضوعی جدید پرداختن به الگوهای گوناگون دولت از بعد فضایی است به طوری که جغرافیای سیاسی علاوه بر مطالعه‌ی دولت ملی، الگوهای جدید دولت محلی در سطوح فروملی و الگوهای دولت منطقه‌ای در چارچوب سازه‌های منطقه‌ای و دولت جهانی و قلمروهای حاکمیتی رسمی و غیر رسمی در عرصه‌ی کروی از موضوعات مورد علاقه‌ی جغرافیدانان سیاسی است (حافظ نیا و کاویانی راد، ۱۳۸۳: ۱) یکی از این مهمترین دولت‌های محلی شهرها هستند که مطالعه و بررسی آنها از اهمیت بالایی در جغرافیای سیاسی برخوردار است. همچنین، زندگی روزمره انسان و انگیزه‌ها و پدیده‌هایی که او را از خانه بیرون برده، دوباره به خانه باز می‌گرداند، در محیط سیاسی اثر ژرفی می‌گذارد. این اثر گذاری از آن جهت مورد توجه ویژه جغرافیای سیاسی است که محیط زندگی گروه‌های انسانی را وادار به ایجاد ساختارهایی سیاسی و نظامی اداری برای اداره امور آن محیط می‌سازد (مجتهدزاده، ۱۳۹۰: ۵۹).

باید توجه داشت شهر، بخشی از یک کشور و جزیره‌ای درون آن است. شهرها با توجه به مراکز تجاری، حومه‌های ثروتمند، محله‌های فقیرنشین، حلی آبادها و محله‌های ممنوعه‌شان، دارای جغرافیای سیاسی مخصوص به خود هستند (مویر، ۱۳۷۹: ۲۳۹). اینکه شهرها چگونه پا می‌گیرند و بر اساس چه روابطی به حیات خود ادامه می‌دهند، نیروی محرکه و پویای شهر چه نیروهایی هستند و یا اینکه عوامل محیطی در مکان‌یابی آنها تا چه حد موثر بوده است و ارتباط شهر در درون ناحیه (روستا و شهر) و بیرون ناحیه (شهر و روستاهای خارج از ناحیه) چگونه است (رضایی و اوغلی وسعت، ۱۳۸۹: ۷). به عنوان مثال، نایرن^۱ درباره شهر لندن می‌گوید:

¹ Nairn



نویسد: «شهری است که خود را از بقیه‌ی کشور جدا می‌انگارد» و تیلور معتقد است که: «این شهر، شهری جهانی است و نه یک شهر ملی ... این شهر، سرمایه‌گذار اقتصاد بریتانیا نیست و روی هم رفته چیز دیگری است» (مویر، ۱۳۷۹: ۲۳۹). از سوی دیگر، باید توجه داشت که مفهوم شهر همواره با مفهوم «سیاست» در ارتباط بوده است. مروری بر واژه‌شناسی شهر در زبان‌های مختلف بیانگر این واقعیت است که تمامی واژه‌هایی که برای بیان شهر بکار گرفته می‌شود به نوعی بر نظم، مدنیت، حکومت و برتری یک طبقه یا قشر اجتماعی تأکید دارند. از طرفی واژه سیاست (Politics) نیز بر گرفته از واژه پولیس (Polis) به معنای شهر است. در واقع سیاست در معنی یونانی، علم حکومت بر شهر بوده است. از این رو برخی اندیشمندان سیاست را علم شهرها نیز نامیده‌اند (عالم، ۱۳۷۸: ۲۴-۲۳). همچنین، ژان گاتمن بر این باور است که سیاست در اصل برای مطالعه امور شهر بوده است. وی ریشه‌ی واژه پلیتیک (سیاست) را در واژه‌ی یونان «پولیس» به معنی «شهر» جستجو می‌کند و می‌گوید که ارسطو کتاب سیاست خود را به بررسی چگونگی پیدایش «شهرها» اختصاص داده است (مجتهدزاده، ۱۳۹۰: ۶۰-۵۹). نقش آفرینی جغرافیای-سیاسی شهر در ژرفای تاریخ، دگرگونی‌های فراوانی پیدا کرده است. این دگرگونی‌ها را شاید به صورت خلاصه بتوان در سه بخش دسته‌بندی کرد:

الف) دوران باستان: در دوره‌های پیش از میلاد، شهر در چهارچوب مفهوم پولیس (یا شهرهای خودمختار) نقش آفرینی سیاسی پر اهمیتی داشت.

ب) دوران تاریخی: این دوران از هنگام پیدایش حکومت‌های فراشهری در روم باستان و ایران روزگار پارتها پدید آمد و تا آغاز قرن بیستم به طول انجامید. در این دوران شهر بیشتر جنبه یک واحد سیاسی-اقتصادی را داشته است.

ج) دوران مدرن: منظور از دوران مدرن در این بررسی، قرن بیستم است به ویژه از نیمه دوم آن قرن که شاهد گسترش سریع شهرها، هم از نظر گستره محدوده جغرافیایی و هم از دید نقش آفرینی‌های بوده ایم. این بار شهر دوباره نقش آفرینی‌های مستقلی را پیدا می‌کند؛ البته با این تفاوت که برخلاف دوران باستان، استقلال نقش آفرینی شهرهای گسترش‌یابنده، استقلالی اقتصادی است و از نظر سیاسی این شهرها همچنان در محدوده و چهارچوب نظام حکومتی کشور، زندگی می‌کنند. با این حال، این نقش آفرینی استقلال‌یابنده اقتصادی جنبه‌های زیادی از زندگی سیاسی و فرهنگی را نیز به خدمت می‌گیرد.

د) دوران پست مدرن: این دوران از دهه‌های آخر قرن ۲۰ شروع شده است و با افزایش نقش و جایگاه شهرها در عرصه جهانی زمینه برای برجسته‌شدن بعد سیاسی شهرها نیز فراهم آمده است (مجتهدزاده، ۱۳۹۰: ۶۳-۶۱).



این تغییرات دوران پست مدرن شهرها را به یکی از کانونهای توجه و بازیگران سیاسی جهان تبدیل کرده اند. به نحوی که، مناسبات ما بین کشورها در فرایند جهانی شدن معاصر، از جهت نوع، مقیاس، روشها، ابزارها و پیامدها دارای تفاوت های اساسی با تعاملات ما قبل عصر مدرن یا جهانی شدن سطحی است. در این دوره، تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات، ابزار کارآمد ایجاد دهکده جهانی و تحقق اهداف جهانی شدن است. تغییر تدریجی ساختار دولت- ملت ها، کاهش محدودیت مرزها، توسعه دولت- شهرها (دولت های محلی)، شکل گیری دیپلماسی شهرها، حاکمیت قوانین و نهادهای جهانی، زبان و شهروند جهانی یا جهان وطنی، توسعه رقابت ها و غیره در راستای تقسیم کار بین المللی، توسعه شبکه تولید، افزایش نقش خدمات تولیدی، کاهش هزینه های تولید، حذف مانع و ایجاد بازار، توسعه شبکه مراتبی تعاملات و تبادلات یا جریان ها، افزایش مصرف، و گردش آزاد سرمایه از مهمترین ابعاد و زمینه های جهانی شدن معاصر است. در فرایند جهانی شدن معاصر، شهرها به مرور جایگاه تعیین کننده تری در مناسبات بین المللی پیدا نمودند. در این فرایند، جهان شهرها پدیدار شدند و نقش مهمی در جهانی شدن معاصر ایفا می نمایند (کمانرودی کجوری، ۱۳۹۲: ۲۲۲). همچنین باید توجه داشت که، جهانی شدن در اثر پست مدرنیسم با شهرگرایی و کلان شهرگرایی پیوندی نزدیک دارد. جهانی شدن سبب شد که برخی از شهرهای جهانی به کانون های مهم اقتصادی و سیاسی تبدیل شود. در این بین روش مدیریت شهرها، سیاست های اقتصادی شهر، سلسله مراتب شهری، ارتباط کلان شهرهای و جهان شهرها با همدیگر و با سایر نواحی شهری به ویژه نواحی روستایی و ... از جمله مسائلی است که تحت تأثیر فرایند جهانی شدن قرار گرفته اند (رضایی و عباسی، ۱۳۸۷: ۱۶۶). قبلاً متخصصان شهری معتقد بودند که مادرشهرها یا کلان شهرها از جریان های اقتصادی و اجتماعی که عمدتاً در داخل محدوده های نواحی ملی انجام می گیرد، شکل و ویژگی اش را می گرفتند. ولی اکنون تحرکات سرمایه، جمعیت، اطلاعات، از پس کرانه های شهری تا آن سوی مرزهای ملی گسترش یافته اند (رضایی و عباسی، ۱۳۸۷: ۱۶۷). این تحولات سبب شده است که شهرها با توجه به اهمیت و اعتبار بالایی که در دهه های اخیر کسب کرده اند از موضوعی در کنار سایر پدیده های مورد مطالعه جغرافیای سیاسی فاصله بگیرد و خود را به عنوان حوزه جدید و ویژه ای در قالب جغرافیای سیاسی شهر مطرح نماید. با توجه به اینکه مفهوم اولیه این حوزه مطالعاتی جدید جغرافیای سیاسی است و «کشور»^۱ مفهوم اصلی مورد توجه در مطالعات جغرافیای سیاسی است (مجتهدزاده، ۱۳۹۰: ۳۳). می توان گفت، جغرافیای سیاسی شهر، همانند جغرافیای سیاسی که موضوع اصلی مورد مطالعه آن کشور است، پدیده شهر را به عنوان یک پدیده فضایی- سیاسی به عنوان مفهوم اصلی مورد مطالعه قرار می دهد.

¹ Country



۲-۲- ابعاد مورد بحث در جغرافیای سیاسی شهر

در جغرافیای سیاسی، تأثیر انسان در مواردی چون موقعیت‌ها، مرزها، سرزمین‌ها، ملت‌ها و منطقه‌ها مطالعه می‌شود. در برخورد کلی، می‌توان جغرافیای سیاسی را عبارت از «مطالعه اثر گذاری تصمیمات سیاسی صاحبان قدرت در محیط جغرافیایی دانست»؛ مانند تقسیمات کشور و مرزسازی‌های سیاسی روی صحنه جغرافیایی (مجتهدزاده، ۱۳۸۱: ۲۰). همچنین، می‌توان گفت، در واقع منابع جغرافیای سیاسی عمدتاً بر پدیده «دولت» یا ناحیه سازمان یافته سیاسی به عنوان موضوع جغرافیای سیاسی تمرکز دارد و به بررسی و تشریح کالبد، عناصر، ویژگی‌ها و رفتار دولت می‌پردازد؛ بنابراین جنبه‌های مختلف دولت نظیر علت پیدایش، موقعیت، کانون سیاسی، ویژگی‌های سرزمینی، ملت، نظام سیاسی، ساختار سیاسی فضا، الگوی فضایی توزیع قدرت، روابط میان دولت با دولت‌های دیگر، قدرت ملی، الگوی مدیریت سرزمین، روابط سطوح مختلف دولت با شهروندان در اداره امور کشور در کانون توجه مطالعات جغرافیایی سیاسی قرار می‌گیرد (حافظ نیا، ۱۳۸۱: ۳). با توجه به اینکه پدیده سیاسی- فضایی شهر با توجه به تحولات صورت گرفته در دهه‌های اخیر و افزایش اهمیت و بازیگری آن در سطحی بالاتر در قالب جغرافیای سیاسی شهر مورد مطالعه قرار بگیرد. باید بتوان ابعاد مورد بحث در جغرافیای سیاسی به عنوان بخش اولیه و پایه‌ای این حوزه مطالعاتی جدید را در کنار مباحث موضوعه در مطالعات شهر در کنار یکدیگر ادغام کرد و مورد بررسی قرار داد. بر این اساس، در این بخش به صورت کلی ابعاد مورد مطالعه در جغرافیای سیاسی که بر گرفته از موضوع اصلی این رشته یعنی کشور است، سعی شده در قالب جغرافیای سیاسی شهر و با تکیه بر پدیده سیاسی- فضایی شهر بیان گردد.

- نهاد حاکمیتی در فضای شهر (حکومت در شهر)

مهمترین عرصه‌ی تجلی رابطه‌ی جغرافیا و سیاست، نظام سیاسی مستقل و یا حکومت است که به نیابت از دو عنصر پایدار یعنی سرزمین و ملت یا انسان‌های بومی و مقیم در سرزمین موجودیت یافته و به ایفای نقش می‌پردازد (حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۲۱۲) و به عنوان یکی از سه عنصر اصلی تشکیل دهنده کشور می‌باشد که از جایگاه و اهمیت برجسته‌ای در مطالعات جغرافیای سیاسی برخوردار است. در این میان، تحولات صورت گرفته در دهه‌های اخیر به ویژه پیامدهای ناشی از فرایند جهانی شدن نشان می‌دهد که جهانی شدن به سیاست‌های تمرکززدایی منجر می‌شود. نخست اینکه، جهانی شدن با «محلی‌زدایی کردن شهرها» که نیازمند مقدمات



مدیریت جدید است، ارتباط دارد. دوم در واکنش به جهانی شدن، دولت‌ها پاسخگویی را توسعه می‌دهند که به طور سنتی قدرت را به دولت محلی تفویض نمایند. نهادهای سیاسی و سیستم درونی دولت‌ها در واکنش به فشارهای خارجی تحت عنوان «جهانی شدن» دگرگون می‌شوند و مدیران شهری روش‌های جدید مدیریتی همگانی (مشارکتی) را جهت ارتقای کارایی و تأمین تسهیلات ضروری در رده‌ی بالای اقتصاد جهانی (سیستم جهانی شدن) اعمال کرده و می‌پذیرند. جغرافی‌دانان و دانشمندان سایر علوم ضمن بررسی رابطه بین تغییر جهانی شدن و مدیریت شهری، آن بحث را توسعه داده‌اند. آنها استدلال کردند که روند رایج دگرگونی جهانی، تغییراتی در سازمان‌های مدیریت شهری را ایجاد می‌کند (رضایی و عباسی، ۱۳۸۷: ۱۸۲) و نهادهای حاکمیتی در فضای شهرها را در قالب جدید و نیرومندتر از گذشته شکل می‌دهد که باید به صورت کامل مورد بررسی و مطالعه قرار بگیرد. البته در این زمینه کارهایی صورت گرفته است به عنوان مثال در یک دسته بندی کلی و بر اساس میزان توانایی‌ها و نوع روابط میان قوای حکومتی، سه سبک سازمان‌دهی در درون مدیریت کلا شهری به وجود می‌آید:

- تفکیک قوای مجریه (شهرداری) و مقننه (شورا یا انجمن) حکومت محلی که در اصطلاح ساختار شورا (انجمن) شهردار نامیده میشود.
- وحدت قوا در قوه‌ی مقننه (شورا یا انجمن) حکومت محلی که آن را ساختار کمیسیونی می‌نامند.
- تسلط و برتری قوه‌ی مقننه (شورا یا انجمن بر قوه‌ی مجریه (شهردار) که در حکومت‌های محلی به آن ساختار شورا (انجمن) مدیر شهر گفته می‌شود.

هر چند ویژگی‌ها و ساختار نهادهای قانونی اداره کننده‌ی شهر از کشوری به کشور دیگر تفاوت دارد و هر جامعه‌ای با توجه به ساختار اقتصادی، اجتماعی و سیاسی خود، تعریف خاصی از مدیریت شهری دارد؛ وظایف کنونی مدیریت شهری (صرف نظر از تنوع و اختلاف در نظام‌های اجتماعی و سیاسی گوناگون) تنها محدود به مواردی از قبیل برنامه‌ریزی، خدمات رسانی، مدیریت فرهنگ محلی، انجام پروژه‌های عمرانی و غیره نمی‌شود و جهت دهی فعالیت‌های شهری و ترسیم چشم انداز شهر در راستای دستیابی به توسعه‌ی پایدار، از جمله مهم ترین وظایف مدیران شهری به شمار می‌رود (نظریان و رحیمی، ۱۳۹۱: ۱۱۴). از سوی دیگر باید توجه داشت که، هم زیستی مدیریت شهری به عنوان سازمان محلی، افقی و فرابخشی با نظام اداری مرکزی، عمودی و بخشی، مسائل بسیاری را در حوزه‌های مختلفی مانند تصمیم گیری، هماهنگی و تقسیم وظایف بین آنها به وجود آورده است (نظریان و رحیمی، ۱۳۹۱: ۱۲۲). بر این اساس، چگونگی مدیریت و اداره فضاهای شهری، نهاد حاکمیتی موجود



در فضای شهر و مسائل مرتبط آن می تواند در قالب مباحث حکومت در جغرافیای سیاسی در مطالعات جغرافیای سیاسی شهر مورد مطالعه و بررسی قرار بگیرد.

- شهروندان در فضای شهر (ملت)

ملت بنیادی ترین بخش کشور است. از واژه ملت تعاریف مختلفی شده است که ساده ترین تعریف در این زمینه عبارت است از اینکه ملت، گروهی از مردم با خاستگاه معمولاً ناهمگن ولی دارای حس همبستگی قوی در سنتها و رسوم دیرپای بوده و در زندگی اجتماعی و اقتصادی دارای آرمانهای مشترک اند (کاپوبانی راد، ۱۳۸۹: ۳۹). به بیان دیگر، جمع افرادی که از پیوندهای مادی و معنوی ویژه و مشخصی برخوردار باشند و با مکان جغرافیایی ویژه ای، «سرزمین یکپارچه و جداگانه» همخوانی داشته باشند و حاکمیت حکومتی مستقل را واقعی بخشند، «ملت» آن سرزمین یا آن کشور شناخته می شوند (مجتهدزاده، ۱۳۹۰: ۶۸). در مطالعه ملت در جغرافیای سیاسی با توجه به تعاریف بالا بر جنبه سیاسی آن و نقش آفرینی و بازیگری آنها، عوامل موثر در همگرایی و واگرایی و ... تأکید می شود. شهروندان در فضای شهر نیز با توجه به تغییرات صورت گرفته ناشی از جهانی شدن توانسته اند چنین جایگاهی بدست آورند. به نحوی که مویر در این زمینه می گوید، پیوند بسیار نزدیکی میان جهانی شدن، توسعهی شهری و تکامل سیاسی وجود دارد: «با ورود اقتصاد جهانی، ملت سازی رفته رفته مترادف شهرسازی می شود و شهرها به عنوان هسته اصلی جامعهی جهانی عمل می کنند» (مویر، ۱۳۷۹: ۲۴۸). همچنین، شورت یادآوری می کند که شهروندان، اجزای تشکیل دهندهی جنبشهای اجتماعی شهری هستند و در عرصهی سیاسی شهر، نقشهای متعددی را ایفا می کنند. آنان در مقام کارگرانی انجام وظیفه می کنند که توسط شهر و یا در درون آن به خدمت گرفته شده اند. آنان در مقام مالیات دهندگان برای تأمین بودجهی خدمات شهری نیز عمل می کنند. این مقام آمان را وادار به تلاشی برای افزایش منافع خویش ساخته و در عین حال وادار به کاهش پرداختها می سازد. همچنین این مقام آنان را وادار به طرح عقاید در مورد نحوهی ادارهی شهر و پرداخت دستمزد به کارمندان می کند. آنان در مقام استفاده کنندگان خدمات شهری نیز عمل می کنند که مجدداً موجب طرح عقایدی دربارهی نحوهی ادارهی شهر می شود (مویر، ۱۳۷۹: ۲۴۰-۲۳۹). همه اینها در کنار یکدیگر نشانگر آن است که شهروندان در فضای شهرها با توجه به تحولات صورت گرفته از اهمیت و جایگاه برجسته ای برخوردار شده اند که می توان آن را در قالب ملت مورد مطالعه در جغرافیای سیاسی، برای مطالعه در جغرافیای سیاسی شهر نیز در نظر گرفت و مورد مطالعه و بررسی قرار داد.



- محدوده شهر (قلمرو و سرزمین)

سرزمین را می توان چهره افقی و فیزیکی کشور تعریف کرد؛ مفهومی جغرافیایی که با توجه به مفهوم حکومت، جنبه‌ای سیاسی پیدا می کند و با توجه به آن مفهوم و مفهوم «ملت» پدیده سیاسی- جغرافیایی «کشور» را واقعیت می بخشد (مجتهدزاده، ۱۳۹۰: ۴۴). سرزمین پهنه‌ای جغرافیایی است با مرزهای پیرامونی مشخص که جنبه‌ای حقوقی حاکمیت را بدنه‌ای فیزیکی می بخشد و از جهتی ویژه، با مفهوم «کشور» در فارسی کنونی شباهت پیدا می کند (مجتهدزاده و عسگری، ۱۳۸۴: ۲۱). به بیانی دیگر، سرزمین بخشی از سیاره زمین است که دارای محدوده بوده و به وسیله یک تشکیلات سیاسی کنترل می شود (میرحیدر و حیدری فر، ۱۳۸۵: ۴). با توجه به اهمیت و جایگاه برجسته سرزمین در شکل گیری کشور، مطالعه وسعت، شکل و ... آن در جغرافیای سیاسی اهمیت ویژه‌ای دارد. در این میان مطالعه محدوده شهر نیز با توجه به اینکه ماهیت فضایی آن را شکل می دهد از اهمیت و جایگاه برجسته‌ای در مطالعات جغرافیای سیاسی شهر می تواند داشته باشد. مطابق با قانون تعایف محدوده و حریم (۱۳۸۴) محدوده شهر عبارت است از حد کالبدی موجود شهر و توسعه آتی در دوره طرح جامع. این تعریف، اکنون به عنوان یگانه تعریف قانونی محدوده شهر، ملاک عمل می باشد (سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور، ۱۳۹۰: ۷). مطالعه محدوده شهر، موقعیت جغرافیایی شهر و ... می تواند در برنامه ریزی های آینده، تبدیل شدن شهر به کانون در فضای ملی و جهانی و ... از اهمیت و جایگاه برجسته ای برخوردار باشد.

- مرزها در فضای شهر

مرز و تغییرات مرزی از اصلی ترین موضوعات در جغرافیای سیاسی بوده و است. در واقع، دلیل اهمیت مرز در جغرافیای سیاسی این است که «مرز رابطه میان جغرافیا و سیاست است و تأثیر متقابل این دو را به خوبی آشکار می سازد زیرا حکومت ها برای مشخص کردن قلمرو خود، به تعیین مرز نیاز دارند. همچنین هر حکومت به وسیله مرز از حکومت دیگر جدا می شود» (میرحیدر، ۱۳۸۰: ۲۴) به همین دلیل، مطالعات درباره مرزهای بین-المللی در جغرافیای سیاسی جایگاه مهمی دارد. البته موضوعی که در این زمینه وجود دارد این است که متأسفانه مطالعه مرزها در جغرافیای سیاسی بیشتر متمرکز بر مرزهای کشورها بوده است و به سطوح پایین تر و بالاتر مورد مطالعه قرار نگرفته است. در اینجا برای اینکه بهتر با این سطوح مرزبندی آشنا شوید چند تعریف کلی از مرز آورده شده است:

- مرز خطی است فرضی در فضا که من را از شما، یک کشور را از کشور دیگر و ... جدا می کند.



- مرز خط فرضی است که مصالح من را از شما، مصالح و منافع یک حکومت را از حکومت دیگر، یک گروه را از گروه دیگر و ... جدا می‌کند. در یک طرف خط مایملک و منافع من، حکومت یک گروه و و در طرف دیگر مایملک دیگران قرار دارد.
 - همه مرزها دو طرف دارند؛ طرف من و طرف تو، طرف یک حکومت و طرف یک حکومت دیگر و مرز بخش ضروری برای هویت‌دهی و اعتباردهی به شخص، حکومت، گروه و ... را دارا می‌باشد.
 - الگوهای حکومتی در دو طرف مرز متفاوت است.
 - الگوهای برنامه‌ریزی و اقتصادی در دو طرف مرز با یکدیگر تفاوت دارد.
- در مجموع می‌توان گفت، مرزها به صورت دیوارهایی زندگی، هویت، خانه، کشور، حکومت، منافع (ملی) و ... شما را از دیگران جدا می‌کنند و به شما و آنها اعتبار و هویت می‌دهند. با نگاهی به اطراف خود و مرزهایی که در اطراف شما موجود وجود دارد می‌توانید این موضوع را بهتر درک کنید (حافظ نیا و جان پرور، ۱۳۹۲: ۳۸-۳۷). با شکل‌گیری جغرافیای سیاسی شهر می‌توان مرزبندی‌های در سطوح پایین تر را نیز مورد مطالعه قرار داد. به عنوان مثال، مرزبندی‌های اداری و شهری را می‌توان در این زمینه نام برد. شاید در یک مرزبندی شهری خطوط مرزی بر روی زمین علامت‌گذاری نشوند و یا اینکه هیچ ممنوعیت در رفت و آمد در آن ایجاد نکنند و شهروندان متوجه نشوند که از این مرزبندی‌ها در حال عبور کردن هستند اما مالیات‌ها و عوارض شهری، ثبت نام کودکان در مدارس محلی، پلیس، سیستم بهداشتی و مدیریت رفاهی همه بر اساس این خطوط فضایی سازماندهی شده‌اند که روی هم قرارگیری آنها با یکدیگر سیستم پیچیده سلسله مراتب جغرافیایی را بوجود می‌آورند. همچنین، عدم مدیریت محدوده‌ها، حریم‌ها و مرزها در فضای شهر به صورت‌های مختلف بر توانایی افراد و ساکنین شهری در استفاده از فضای شهری تأثیر می‌گذارد.

- سازماندهی فضای شهر

تقسیمات کشوری (اداری- سیاسی) یکی از موضوعات اصلی جغرافیای سیاسی است. در داخل هر واحد سیاسی بویژه کشورهای مستقل، برای اداره امور و ایجاد حداکثر کارایی در خدمات رسانی و با توجه به ضروریات سیاسی و تاریخی و وابستگی‌های عاطفی، منطقه‌ای این تقسیمات صورت می‌گیرد. به بیان دیگر تقسیمات کشوری، نوعی سازماندهی برای تسهیل اعمال حکومت دولتهاست. از این رو این سیاست ریشه جغرافیایی دارد و طبیعت آن اساساً پیچیده و غیر بسیط است (میرحیدر و ذکی ۱۳۸۱: ۵۲) در کتاب فرهنگ علوم سیاسی تقسیمات سیاسی چنین تعریف شده است: «تقسیماتی برای سهولت اداره کشور صورت می‌گیرد و معمولاً



مبتهی بر نزدیکی‌های قومی، نژادی، مذهبی و تاریخی، اوضاع طبیعی و جز اینهاست. تقسیمات اداری، بسته به شرایط اجتماعی و فرهنگی و نوع حکومت هر کشور، با اسامی و اختیارات متفاوت تعیین می‌شود (آقابخشی، ۱۳۷۶: ۲۳۹) ضرورتها و اهداف عمده سازماندهی سیاسی فضا را می‌توان بدین شرح برشمرد:

۱- اداره بهتر امور منطقه ای و محلی، نظیر تأسیسات عمومی، روابط اجتماعی، رفاه و عمران محلی و امنیت عمومی؛

۲- کنترل سیاسی و اعمال نظریات و سیاست های دولت مرکزی و تحقق اهداف سطح ملی در فضا های منطقه ای و محلی؛

۳- فراهم سازی شرایط مساعد برای مشارکت مردم در سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود، چه در سطح ملی و چه در سطح محلی و تأمین آرمان و خواست سیاسی مردم از طریق انتخابات عمومی؛

۴- ایجاد فرآیندهای توسعه منطقه‌ای و بارورسازی پتانسیل های درون منطقه ای؛

۵- ایجاد چهارچوب فضایی مناسب برای گسترش سازمانی دستگاه های اداری دولت مرکزی؛

۶- ارائه خدمات مطلوب و ارتقای سطح زندگی و تأمین بهینه نیازهای مردمی و محلی (بهداشت، آموزش، ارتباطات و...)؛

۷- ایجاد چهارچوب فضایی مناسب برای تقسیم کار ملی و تنظیم روابط منطقی بین اموری که ماهیت و سرشتی ملی دارند و اموری که ماهیت آنها محلی و ناحیه ای است (تنظیم روابط منطقی میان تمرکز و عدم تمرکز)؛ (حافظ نیا، ۱۳۸۱: ۳۷۲).

با شکل گیری و افزایش شهرهای بزرگ با جمعیت های میلیونی که گاهی جمعیت آنها از جمعیت بسیاری از کشورها نیز بالاتر است دیگر اداره و مدیریت این فضای جغرافیایی به صورت متمرکز و یک جا بدون در نظر گرفتن تفاوت ها و ... امکان پذیر نیست. برای اینکه بتوان فضای شهرها به ویژه شهرهای بزرگ را بهتر اداره و مدیریت کرد همانند فضای کشور نیاز به در پیش گیری سیاستها و برنامه‌های ویژه است و باید بتوان ضرورتها و اهداف سازماندهی فضا را در فضای شهرها نیز رعایت کرد. البته در این زمینه کارهای زیادی صورت گرفته است و می‌توان به تقسیم بندی مناطق و نواحی شهری در شهر تهران، مشهد و ... و حتی سازماندهی محله ها را در این زمینه اشاره کرد.



پارک معتقد است که نوعی تقسیم فضایی^۱ در شهر وجود دارد که با تقسیم کار موجود در درون این فضاها تطابق دارد. برای مثال، محله‌های تجاری، محله‌های مسکونی، حاشیه‌ها، منطقه صنایع سبک و کارگاه‌ها، منطقه صنایع سنگین و کارخانجات، حلبی‌آبادها، زاغه‌ها و محله‌های مهاجرنشین. پارک معتقد است که این مناطق همان مناطق طبیعی‌اند؛ زیرا محصول نیروهای زیست محیطی‌اند. این نیروها جمعیت شهر را توزیع می‌کنند. اعضای مکتب شیکاگو به شدت علاقه مند به مطالعه محله‌های شهری جدا شده بودند و به این محله‌ها مناطق طبیعی گویند؛ زیرا معتقد بودند که پیدایش این محله‌ها ناشی از فرایندهای زیست محیطی است نه برنامه‌ریزی دولتی. پس، منظور از مناطق طبیعی یعنی نواحی اجتماعی که توسعه‌ی آنها ناشی از طراحی و برنامه‌ریزی نیست. هر یک از این مناطق دارای قواعد اخلاقی^۲ خاص خود است که منطبق با علائق و سلائق افراد است. بدین ترتیب، به نظر پارک، در شهر نوعی فرایند جداسازی^۳ وجود دارد که شهر را به موزائیک دنیاهای کوچک تبدیل می‌کند. دنیاهایی که همدیگر را لمس می‌کنند، ولی در هم ادغام نمی‌شوند (شارع پور، ۱۳۹۱: ۱۴۰).

- امنیت در شهر

مطالعه امنیت، برقراری امنیت، عوامل موثر بر امنیت و ... از جمله مفاهیم مرتبط با کشور و از جمله الزامات آن هستند زیرا هیچ کشوری نمی‌تواند بدون داشتن امنیت به کار خود ادامه دهد و رفاه و توسعه را برای شهروندان خود تأمین نماید. در این میان، فضاهای شهری به عنوان بستر زندگی و فعالیت شهروندان، باید بتوانند با توجه به شباهت‌ها و تفاوت‌های میان افراد و گروه‌های سنی و اجتماعی؛ محیطی امن، سالم و پایدار و جذاب را برای همه افراد فراهم کند و به نیاز تمامی اقشار اجتماعی پاسخ مناسب بدهند و پاسخ گوی حداقل نیازها باشند (شریعتی، ۱۳۸۴: ۱۰). البته مفاهیم مرتبط با امنیت از قدیم با شهر همراه بوده است به نحوی که، ایجاد امنیت در فضای شهری با احداث برج و باروها و اماکن سیاسی بسیار مهم، همراه بوده است. چنانکه در یک شهر بندری، زیارتی یا صنعتی امنیت با توجه به ویژگی‌های خاص آن تعریف می‌شود. توجه به امنیت نه تنها در ایران قدیم که در یونان قرون وسطی هم دارای اهمیت بوده است. در تهران قدیم دروازه دولت، شمیران، قزوین، دولاب و حتی دروازه غار وظیفه ایجاد امنیت شهر تهران را بر عهده داشتند. این دروازه‌ها دژهای محافظتی شهر بودند که وظیفه داشتند آرامش و امنیت ساکنان آن را تأمین کنند، کسی نمی‌توانست به اختیار خود از این شهر خارج یا به آن وارد شود. در روستاها و سایر شهرهای کشور این مسئله به شکل دیگری وجود داشت. پس نتیجه

¹ Spatial Division

² Moral Code

³ Segregation



می‌گیریم که مسئله امنیت در ساختار یک شهر امری قدیمی و بسیار حیاتی بوده است (رهنمایی و پورموسوی، ۱۳۸۵: ۱۸۱). در این، رویکردهای سنتی در باب امنیت شهری عمدتاً به طور یکسویه‌ای به جرائم و بزهکاری‌های شهری و یا معلول‌ها معطوف بوده؛ در حالی که امنیت مقوله‌ای چندوجهی است و در چارچوب عناصر مختلف معنا پیدا می‌کند. امروزه بحث امنیت شهری به یکی از بحث‌های علمی، فنی، کاربردی و اداری مهمی تبدیل شده است که اکنون به صورت یک موضوع میان‌دانشی و فرادانشی جامع‌نگر در چارچوب جامعه‌شناسی شهری، حقوق، جغرافیا، علوم انتظامی-امنیتی و نظایر آنها بررسی می‌شود و با سرنوشت آحاد شهروندان کل نظام اجتماعی و اقتصادی کشور و شهر، بویژه مسائل امنیت کلان شهرها سر و کار دارد (کارگر، ۱۳۸۳: مقدمه). بطور کلی، امنیت شهری «آرامش، اطمینان خاطر و نبود هراس شهروندان از هر گونه تهدید و خطر علیه شهر، شهروندان، فضاهای شهری، ساختمانها، سازمانها، تاسیسات و زیر ساخت‌های شهری و سایر عناصر مهم در زندگی شهری که نگرانی و احساس ناامنی در شهروندان را موجب می‌گردد» را در بر می‌گیرد. بر این اساس، امنیت و مباحث مرتبط با آن یکی از مباحث و الزامات اصلی کشور است که می‌توان آن را در قالب جغرافیای سیاسی شهر با توجه به قدمت و سابقه مطالعاتی که در این پدیده فضایی-جغرافیایی داشته است، با نگاهی جدید و با در نظر گرفتن تحولات جدید مورد بحث و بررسی قرار بگیرد.

- موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیک شهر

در دیدگاه سنتی، موقعیت ژئوپلیتیک همان موقعیت جغرافیایی است؛ با لحاظ نمودن بعد و بار سیاسی مکان جغرافیایی. ولی در دیدگاه جدید، موقعیت ژئوپلیتیک یعنی جایگاه یک مکان جغرافیایی در سیستم مربوطه؛ مانند ایران در سیستم منطقه‌ای خاورمیانه. این مفهوم در هر دو دیدگاه مفهومی دینامیک به شمار می‌رود و کارکرد اصلی آن در عرصه روابط بین‌المللی است (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۴). هر چند، در نظر گرفتن و مطالعه موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیک مکان‌ها و پدیده‌های جغرافیایی در جغرافیای سیاسی از اهمیت و جایگاه برجسته برخوردار است. با توجه به اینکه هر مکان و پدیده جغرافیایی می‌تواند موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیکی مخصوص به خود داشته باشد که در جغرافیای سیاسی به آن پرداخته می‌شود، مطالعه موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیک شهرها نیز می‌تواند در قالب جغرافیای سیاسی شهر مورد توجه قرار بگیرد. زیرا، برخی از شهرها در کانون چهار راه‌های تجاری و مسیرهای بازرگانی هستند، در حالی که برخی دیگر منزوی‌اند؛ یعنی دسترسی خوبی به بازار ندارند. رشد یا افول یک شهر بیشتر بستگی به موقعیت ژئوپلیتیکی آن دارد تا به ویژگی‌های محیطی آن. در واقع، موقعیت ژئوپلیتیکی خوب می‌تواند جبران‌کننده محیط ضعیف باشد. برای مثال، شهر ونیز



در ایتالیا مرکز رنسانس بود و این نه به سبب محیط آن (این شهر آن قدر آب اشباع شده دارد که در حال غرق شدن است)، بلکه به سبب موقعیت ژئوپلیتیکی خوب آن (یعنی نزدیکی به دریای آدریاتیک و دسترسی به کوه های آلپ) بوده است (شارع پور، ۱۳۹۱: ۱۷). همچنین، شهرها با نواحی اطراف ارتباط متعددی دارند و این ارتباط ناگسستنی پایدار و پویا است. در طول تاریخ شهرها با حوزه نفوذ رابطه داشته و تا امروز حفظ شده است. این ارتباط به شرایط طبیعی، موقعیت جغرافیایی، سلسله مراتب شهری، نقش و عملکرد شهر و ... بستگی دارد (رضایی و اوغلی وسعت، ۱۳۸۹: ۷) و حوزه نفوذ شهر یا ناحیه پیرامون آن از نظر کارکرد، وابستگی های گوناگونی به شهر دارد (سیف الدینی، ۱۳۷۸: ۷۲). بر این اساس مطالعه و بررسی موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیکی شهر می تواند یکی از ابعاد مورد مطالعه در جغرافیای سیاسی شهر باشد.

- شهر به عنوان کانون اداره سیاسی در کشور (پایتخت، مرکز استان، مرکز شهرستان و ...)

شهرها خود به عنوان پدیده های سیاسی- فضایی هستند که در فضای درونی کشورها و فضای بین المللی (شهرهای جهانی، پایتخت ها و ..) به صورت های مختلف مورد توجه مطالعات جغرافیای سیاسی بوده اند. اهمیت و برجستگی شهرها در قالب کانون اداره سیاسی در فضای شهر به ویژه در قالب پایتخت کشورها از اهمیت برجسته ای در مطالعات جغرافیای سیاسی برخوردار است. بر این اساس می توان گفت پدیده شهر یکی از موضوعات مورد توجه در جغرافیای سیاسی بوده است که با توجه به اهمیت یافتن و برجسته تر شدن آن می توان آن را در قالب جغرافیای سیاسی شهر با رویکردی دقیقتر و سامانمند تر در قالب شهرهای جهانی، پایتختها، مراکز استانها، شهرستانها و ... مورد مطالعه و بررسی قرار داد.

- تمرکز اقلیتی و اقشار مختلف در فضای شهر (گتو)^۱

مطالعه پراکندگی و توزیع جغرافیایی قومیت ها و اقلیتها، چگونگی تعامل آنها با حکومت مرکزی و ... یکی از بحث هایی است که در جغرافیای سیاسی از جایگاه و اهمیت بالایی برخوردار است. با تحولات صورت گرفته در عصر جهانی شدن زمینه برای جابه جایی و تحرک بالای انسانها در فضاهای جغرافیایی فراهم آمده است و از سوی دیگر گسترش شهرنشینی و شکل گیری کلان شهرها و شهرهای جهانی سبب شده است که فضای شهرها شامل گروه های مختلف قومی و نژادی از نقاط مختلف کشور و حتی فضاهای جهانی شود. همچنین، امروزه تنوع

¹ Ghetto



و ناهمگونی در میان ساکنان شهری چه به لحاظ خاستگاه اجتماعی و چه به لحاظ منزلت اجتماعی و فرهنگی یکی از مهمترین عوامل بروز آسیب های اجتماعی به ویژه در کلانشهرها و نوشهرها است (علی اکبری، ۱۳۸۳: ۵۸). این موضوع در مطالعات شهری با مطالعه گتوها همخوانی دارد. واژه گتو، در اصل برای محله یهودی نشین شهر ونیز در قدیم می گفتند. ولی امروزه منظور از آن منطقه ای از شهر است که در آن افرادی با خاستگاه قومی و نژادی خاص و مشترک و یا کسانی با فرهنگ یا مذهبی خاص، به صورت گروهی زندگی می کنند. ممکن است این تمرکز در یک محله ای خاص به صورت ارادی یا غیر ارادی باشد. در تعریف این مفهوم بر دو نکته اشاره شده است:

- ۱- اعضای ساکن در گتو از یک گروه نژادی، قومی، فرهنگی یا مذهبی خاصی اند که خود را در مقایسه با کل جامعه در وضعیت اقلیت می یابند.
 - ۲- افراد ساکن در گتو نوعی تبعیض از سوی اکثریت را احساس می کنند.
- امروزه، اصطلاح گتو به هر محله ای گفته می شود که گروه خاصی از مردم در آن تمرکز یافته اند؛ گاه به جای واژه گتو از عبارت تمرکزهای اقلیتی استفاده می شود (شارع پور، ۱۳۹۱: ۲۸-۲۹).
- با توجه به افزایش تحرکات در عرصه ملی و جهانی و افزایش تمرکزهای اقلیتی در فضاهای شهری مطالعه تمرکزهای اقلیتی و اقشار مختلف در فضای شهر از حالت صرف مطالعات شهری خارج شده و می تواند در قالب یکی از ابعاد مورد مطالعه در جغرافیای سیاسی شهر به آن پرداخته شود.

- و ..

البته باید توجه داشت که محدوده موضوعات مورد بحث در جغرافیای سیاسی شهر محدود به موضوعات بیان شده در بالا نمی گردد و موضوعات دیگری که در مطالعات جغرافیای سیاسی به آن ها در سطح کشور پرداخته می شود نظیر آمایش سرزمین، انتخابات، قدرت و ... در جغرافیای سیاسی شهر نیز مطرح است که می توان با افزایش دامنه مطالعات علمی جغرافیای سیاسی شهر و مفهوم سازی در این عرصه علمی جدید، بر این موضوعات تأکید کرد و آنها را نیز مورد بررسی و تحلیل قرار داد.

۴- تجزیه و تحلیل و نتیجه گیری

شهرها پدیده های جغرافیایی پیچیده ای هستند. این پیچیدگی با تغییرات صورت گرفته در دهه های اخیر به ویژه بعد از فرایند جهانی شدن افزایش چشمگیری یافته است، به نحوی که نمی توان با استفاده از حوزه های مطالعاتی موجود همه مسائل مربوط به مطالعات شهر را مورد بررسی و تحلیل قرار داد. جایگاه و اهمیت شهرها



در طی دهه‌های اخیر تا حدی افزایش یافته است که آنها را به یکی از بازیگران اصلی در عرصه‌های مختلف ملی، منطقه‌ای و جهانی تبدیل کرده است. یکی از حوزه‌هایی که شهرها را به صورت‌های مختلف در گذشته بعنوان پایتخت کشورها، پدیده‌های سیاسی- فضایی و ... مورد مطالعه قرار می‌داده است جغرافیای سیاسی بوده است. تحولات صورت گرفته اخیر سبب شده است که این مطالعات در حوزه جغرافیای سیاسی نتواند مسائل و ابعاد موجود در زمینه شهرها را به صورت کامل پوشش دهد این امر زمینه شکل‌گیری حوزه اختصاصی و ویژه‌ای در قالب جغرافیای سیاسی شهر شده است. برای اینکه بتوان این حوزه مطالعاتی جدید را روشن کرد باید بتوان در گام نخست تعریف دقیقی از آن ارائه کرد. در مقاله حاضر برای تعریف این حوزه جدید مطالعاتی از بعد اولیه و اصلی آن یعنی جغرافیای سیاسی کمک گرفته شده است و با توجه به اینکه موضوع اصلی در جغرافیای سیاسی کشور است در مطالعه حوزه جدید جغرافیای سیاسی شهر موضوع اصلی مورد مطالعه پدیده سیاسی- فضایی شهر در نظر گرفته شده است. از سوی دیگر، ابعاد مورد مطالعه در این حوزه جدید مطالعاتی نیز از ابعاد مورد مطالعه در جغرافیای سیاسی گرفته شده است. با توجه به اینکه در زمینه جغرافیای سیاسی شهر مطالعات اندکی صورت گرفته است مقاله حاضر سعی داشته است مفهوم سازی اولیه و کلی از این حوزه مطالعاتی جدید در جغرافیای سیاسی داشته باشد. در مجموع می‌توان گفت، جغرافیای سیاسی شهر، همانند جغرافیای سیاسی که موضوع اصلی مورد مطالعه آن کشور است، پدیده شهر را به عنوان یک پدیده فضایی- سیاسی به عنوان مفهوم اصلی مورد مطالعه قرار می‌دهد. در این مطالعه ابعادی که در مطالعات جغرافیای سیاسی نسبت به موضوع اصلی مطالعه یعنی کشور مورد بحث قرار می‌گیرند نظیر حکومت، ملت، سرزمین، مرزها، امنیت و ... با تغییرات اندکی نسبت به موضوع اصلی جغرافیای سیاسی شهر نیز می‌تواند در قالب موارد ذیل مورد مطالعه و بررسی قرار بگیرد:

- حکومت محلی یا نهادهای مدیریت در فضای شهر
- شهروندان در فضای شهر
- قلمرو شهر
- محدوده و مرزهای شهر
- شهر به عنوان کانون اداره سیاسی کشور، استان و ...
- امنیت در فضای شهر
- تمرکز اقلیتی و اقشار مختلف در فضای شهر (گتوهای شهری)
- موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیکی شهر
- شهرهای ملی و شهرهای جهانی



- سازماندهی فضای شهر
- آمایش فضای شهر
- حوزه نفوذ شهر (قلمرو و مرزهای ژئوپلیتیکی شهر)
- دیپلماسی شهری
- شهرهای مرزی
- و

۶- منابع

- ۱- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۵). اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک. مشهد: انتشارات پاپلی.
- ۲- حافظ نیا، محمدرضا و محسن جان پرور (۱۳۹۲). مرزها و جهانی شدن با نگاهی کوتاه به مرزهای ایران. تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۳- حافظ نیا، محمدرضا و مراد کاویانی راد (۱۳۸۳). افقهای جدید در جغرافیای سیاسی. تهران: انتشارات سمت.
- ۴- حافظ نیا، محمدرضا. (۱۳۸۱). جغرافیای سیاسی ایران. تهران: انتشارات سمت.
- ۵- رضایی، رحیم و امیر اوغلی وسعت (۱۳۸۹). «بررسی حوزه نفوذ کلان شهر تهران با روش زمانی و مدل جاذبه (گرانشی)». فصلنامه آمایش سرزمین. سال دوم. شماره سوم.
- ۶- رضایی، رحیم و محمد عباسی (۱۳۸۷). «اثرات جهانی شدن بر ماهیت، ساختار و عملکرد شهرها». فصلنامه آمایش سرزمین. سال دوم. شماره دوم.
- ۷- رهنمایی، محمدتقی و سیدموسی پورموسوی. (۱۳۸۵). «بررسی ناپایداری امنیتی کلان شهر تهران بر اساس شاخص های توسعه پایدار شهری». مجله پژوهش های جغرافیایی. شماره ۵۷.
- ۸- سیف الدینی، فرانک (۱۳۷۸). فرهنگ واژگان برنامه ریزی شهری و منطقه ای. جلد دوم. شیراز. دانشگاه شیران.
- ۹- شارع پور، محمود (۱۳۹۱). جامعه شناسی شهری. چاپ پنجم. تهران: انتشارات سمت.
- ۱۰- عالم، عبدالرحمن (۱۳۷۸). بنیادهای علم سیاست. تهران: نشر نی.
- ۱۱- علی اکبری، اسماعیل (۱۳۸۳). «توسعه شهری و آسیب شناسی اجتماعی در ایران». فصلنامه پژوهشهای جغرافیایی. شماره ۴۸.
- ۱۲- کارگر، بهمن. (۱۳۸۳). امنیت شهری. تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- ۱۳- کاویانی راد، مراد (۱۳۸۹). ناحیه گرایی در ایران از منظر جغرافیای سیاسی. تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.



- ۱۴- کمانرودی کجوری، موسی (۱۳۹۲). «آسیب شناسی ساختار سیاسی و اداره سرزمینی ایران: ابعاد، زمینه ها و الزامات جابه جایی پایتخت سیاسی از تهران». فصلنامه جغرافیا. سال یازدهم. شماره ۳۸.
- ۱۵- کمانرودی کجوری، موسی و همکاران (۱۳۸۹). «تبیین فلسفی- مفهومی جغرافیای سیاسی شهر». فصلنامه ژئوپلیتیک. سال ششم. شماره سوم.
- ۱۶- مجتهدزاده، پیروز و سهراب عسگری (۱۳۸۴). جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک. تهران. انتشارات پیام نور.
- ۱۷- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۹۰). جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی. ویراست ۲. تهران: انتشارات سمت.
- ۱۸- مویر، ریچارد (۱۳۷۹). درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی. ترجمه: دره میرحیدر و سید یحیی صفوی. تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- ۱۹- میرحیدر، دره (۱۳۸۰). مبانی جغرافیای سیاسی. چاپ هشتم. تهران. انتشارات سمت.
- ۲۰- میرحیدر، دره و محمدرئوف حیدری فر (۱۳۸۵). «تحول مفهوم سرزمین در عصر جهانی شدن». فصلنامه ژئوپلیتیک. سال دوم. شماره دوم.
- ۲۱- میرحیدر، دره و قربانعلی ذکی (۱۳۸۱). «بررسی نظام جغرافیایی- سیاسی ناحیه ای و امکان سنجی آن در ایران». پژوهش های جغرافیایی. شماره ۴۲.
- ۲۲- نظریان، اصغر و محمد رحیمی (۱۳۹۱). «تحلیل الگوی مدیریتی شهر تهران». فصلنامه پژوهشهای جغرافیای انسانی. شماره ۸۱.